



جان کالوین

اشاره مترجم:

امروزه ادبیات کودک به معنای عام و به شکل نوین خود، گذشته از آن که با چه هدفی، اعم از آموزش یا سرگرمی و یا هر دو خلق و تولید می‌شود، در نطفه با «عاملیت» کودک شکل می‌گیرد. عاملیت که از آن به کنش‌مندی فعال کودک، به عنوان سوژه و مخاطب نیز تعبیر می‌شود، در همه جا از جمله ایران، راه و بیراهه‌های فراوانی را پیموده و می‌پیماید. تلقی «عاملیت» کودک در ادبیات، چه به عنوان سوژه و چه مخاطب، محصول یک انقلاب مبنایی در طرز تلقی نسبت به کودک و خواندنی‌های اوست. این اتفاق، همان‌طور که در ادامه خواهیم خواند، در آمریکا طی قرن نوزده رخ داد و در سراسر دنیا، با تصویب کنوانسیون حقوق کودک تثبیت شد. هدف از ترجمه این مقاله که یکی از مطالب ارزشمند کتاب «راهنمای ادبیات داستانی آمریکا (۱۸۶۵-۱۷۸۰)»^۱ است، مروری بر زوال تلقی کالوینیستی «قدرت ناظم» و سیطره «الفت ناظم»، به جای آن در نظام‌های تربیتی و تأثیر آن بر ادبیات کودک آمریکا و کمابیش جهان است. ضمن آن که امید است مورد مثالی مناسب برای تطبیق آن با فضای حاکم بر ادبیات کودک ایران باشد تا برخی نویسندگان و ناشران خواندنی‌های کودک را به سوی تلقی دیگری رهنمون شود.

زوال کالونیسیم

دوره پس از جنگ داخلی آمریکا، نه تنها شاهد افزایش چشمگیر تولید کتاب برای کودکان بود، بلکه با گسترش انواع خواندنی‌ها نیز روبه‌رو شد. پیش از آن، متونی که برای بچه‌ها نوشته می‌شد، قرن‌ها از فرم و ظاهر دیگر کتاب‌ها تبعیت می‌کرد و محتوای خواندنی‌های کودکان و بزرگسالان، اغلب قابل تشخیص نبود. گسترش قابل توجه ادبیات کودکان در دو وجه مفهوم و ارائه‌شان به عنوان کالا، همزمان در ایالات متحده با اقبال مردمی روبه‌رو شد؛ به طوری که بیشترین درخواست‌ها را برای این گونه خواندنی‌ها در پی داشت. رشد تکنولوژی در صنعت چاپ، بازاریابی و پخش کتاب را تسهیل کرد. طبقه متوسط مستعد و علاقه‌مند به خرید کتاب ظاهر شد و جنبشی عمومی به راه افتاد.

تا اواخر قرن هجدهم، ناشران آمریکایی، انگلیسی‌ها را الگو قرار می‌دادند و کتاب‌های آن‌ها را تجدید چاپ می‌کردند. با وجود این، در رأس همه ابتدا در بوستون و نیویورک و بعدها در فیلادلفیا، صنعت چاپ پررونقی پا گرفت و ادبیات کودکان بخش عمده‌ای از فعالیت آن‌ها را به خود اختصاص داد. این توسعه امکانات، ملازم ظهور تلقی تازه‌ای از ادبیات کودک بود. در این تلقی تازه، کودکی به عنوان دوران متفاوتی از زندگی شناخته می‌شد و دیگر به معنای مدل کوچک شده بزرگسالی نبود و توجه مشفقانه بیشتری را به کودک و نیازهایش معطوف می‌ساخت. بچه‌ها، هم به عنوان خواننده و هم به عنوان موضوع ادبیات کودک، مظهر این استقلال نو شدند؛ تحولی که به طور همزمان بیم‌ها و امیدهایی را در خود داشت، درست مثل ملتی که دوران پس از استقلالش را تجربه می‌کند.

در خلال سال‌های ۱۷۸۰ تا ۱۸۶۵، خلاف آن‌چه پیش از آن متداول بود، ادبیات کودکان با تمام وجود خود را برای مبارزه با تلقی رایج درباره کودکان به ویژه در مورد نحوه تربیت کودکان و ارتباط آن‌ها با خدا و خانواده آماده کرد. مهاجران همیشه اهمیت زیادی برای تحصیل کودکان، قائل بودند و تحت تأثیر مدل انگلیسی آن، اهمیت حرف شنوی از والدین و خویشان داری را مدام در گوش‌شان می‌خواندند. پیش از استقلال ادبیات کودک، موضوعات این حوزه محدود به تعلیمات انجیل (که به زبان‌های بومی برای اهداف میسیونری ترجمه شده بود) و دیگر اشکال متون اخلاقی از قبیل مواعظ، توضیح المسائل‌ها، رساله‌های عقیدتی، تاریخ، تاریخ طبیعی و زندگی‌نامه‌ها می‌شد. قصه رمزی **جان بانین**^۳ با عنوان **سیر زائر**^۴ (۱۶۸۴-۱۶۷۸) در دو کرانه اقیانوس اطلس و در سال‌های بسیاری خوانده شد. کتاب‌های کوچک و جالب جیبی‌ای که در لندن به دست **جان نیوبری**^۵ در سال ۱۷۴۴ منتشر شد، یکی از اولین کتاب‌های پول‌ساز و سرگرم کننده کودکان بود. اما آمریکایی‌ها که ایدئولوژی‌های فرهنگی و مذهبی را با کالونیسیم رایج آن زمان مربوط می‌دانستند، ادبیات اخلاقی را در فرم و محتوا مورد تأیید قرار می‌دادند. تلقی کالونیستی که نزدیک به دو قرن حاکم بود، به کودکان همان گونه می‌نگریست که به آدم بزرگ‌ها و معتقد بود که کودکان منحرف مادرزادی‌اند و نیاز به تربیت مذهبی سروزقت

و انضباط خشک برای نایل شدن به توبه و رستگاری دارند. اگرچه هژمونی کالونیسیم کم‌کم و در کل با پایان یافتن قرن هجدهم رو به زوال رفت، اما روح **جانانان ادواردز**^۶ که در دهه ۱۷۴۰ برای کودکان، شخصیتی با مضمون «اراذل جوان و به مراتب نفرت‌انگیزتر از آدم‌های شورور» قایل بود، هنوز در افکار عمومی پرسیه می‌زد.

با این‌که تولید داستان‌های کودکان در دو دهه آخر قرن هجدهم، با رشد چشمگیری همراه شد، ادبیات انگلیس تحت تأثیر داستان‌های کودک آمریکا به کار خود ادامه داد. به ویژه **ماریا اجوورث**^۸ که محققاً نزد افکار عمومی آمریکا شناخته شده‌تر از مردم انگلیس بود؛ جایی که برخی او را لیبرال به حساب می‌آوردند، کمک کرد تا عقاید پیوریتان‌ها به بیشتر متون اخلاقی عمومی منتقل شود. اجوورث انتظار خوانندگان از داستان کودکان را با **عصای دست والدین** (۱۷۹۶) و **قصه‌های اخلاقی** (۱۸۰۱) که هم به قدر کافی سرگرم کننده و هم آن‌چنان که باید و شاید آموزشی بودند، برآورده کرد. این دو اثر، هم چنین بر اهمیت خودشناسی و تعالی نفس، تأکید می‌ورزیدند. **لیدی ماریا چایلد**^۹، نویسنده توصیه‌نامه مشاوره‌ای **کتاب مادران** (۱۸۳۱)، کتاب‌های اجوورث را در فهرست کتاب‌های توصیه‌نامه‌ای برای کودکان و



سیر زائر اثر جان بانین

نوجوانان پنج تا شانزده سال ثبت کرد. علاوه بر این، اجوورث دل مخاطبان آمریکایی خود را با تأکیدش بر کسب مهارت و آموختن از تجربیات، وقایع خوشایند سرزمینش و استفاده از مطالب باب روز و واقعی به جای قصه‌های جادویی - که بسیاری عقیده داشتند دروغین، پر از خیال‌بافی‌های بی‌اساس و خشونت غیرضروری است - به دست آورد. در سال ۱۸۲۷، مشخصاً یک ژانر آمریکایی با انتشار **قصه‌های پیتز پارلی در مورد آمریکا، توسط سموئل جی. گودریچ** ۱۱ ایجاد شد. این اثر و تکمله‌هایش، با مطالبات دوسویه عمومی برای کسب آگاهی و سرگرمی و وقوف بر واقعیت‌های عمدتاً تاریخی و جغرافیایی دقیق در هیأت سفرنامه یک «پیرمرد» محبوب به نام پیتز پارلی، روبه رو شد.

هم‌چنان که ایالات متحده به نحوی جایگاه تازه‌ای برای خود دست و پا می‌کرد، قواعد پیوریتان‌ها رو به زوال رفت و رؤیای آزادی و استعداد‌های پنهان بی حد و مرز به دنیای ادبیات کودک و طرز تلقی نسبت به آن وارد شد. ادبیات آمریکا بی هیچ ملاحظه‌ای خود را با کودکان همراه ساخت، بر اهمیت کیفیت مناسبی که بدان دست یافته بود، تأکید کرد و آینده درخشانی را نوید داد. به این نحو بچه‌ها نقش خطایی و تأثیرگذاری در طرح ریزی ادبیات ملی بازی کردند. افزون بر این آمریکایی‌ها آرام آرام و با تکیه بر خصلت بی‌نظیر خردورزی، دست به کار جدا کردن خود از {سیستم} انگلیسی‌ها شدند. همین‌طور که صنعت چاپ پیشرفت می‌کرد و کودکان به طور روزافزون به جرگه مخاطبان پر و پا قرص ناشران می‌پیوستند، بسیاری از نویسندگانی که برای بزرگسالان می‌نوشتند، دست به کار ادبیات کودک و نوجوان شدند. به عنوان مثال، **بنجامین فرانکلین** ۱۱، در سال ۱۷۷۹، **داستان یک سوت سوتک** را در فرانسه و در زمان حضور سفیر آمریکا منتشر کرد و این قصه، با عنوان تازه **داستانی واقعی برای برادرزاده‌اش**، در سال ۱۷۹۳، منتشر شد. نویسندگان مشهور ادبیات بزرگسال آمریکایی، نه تنها برای کودکان هم نوشتند، بلکه اغلب، کودکان را به عنوان شخصیت اصلی داستان‌های‌شان انتخاب می‌کردند. در اواسط قرن نوزدهم «بزرگ‌ترها برای کوچک‌ترها می‌نوشتند» (گریزولد ۱۹۲۲) و راه ادبیات کودک و بزرگسال از هم جدا شد.



دوره پس از جنگ

داخلی آمریکا،

نه تنها شاهد

افزایش چشمگیر

تولید کتاب برای

کودکان بود،

بلکه با گسترش

انواع خواندنی‌ها

نیز روبه رو شد.

پیش از آن،

متونی که برای

بچه‌ها نوشته

می‌شد، قرن‌ها از

فرم و ظاهر دیگر

کتاب‌ها تبعیت

می‌کرد و محتوای

خواندنی‌های

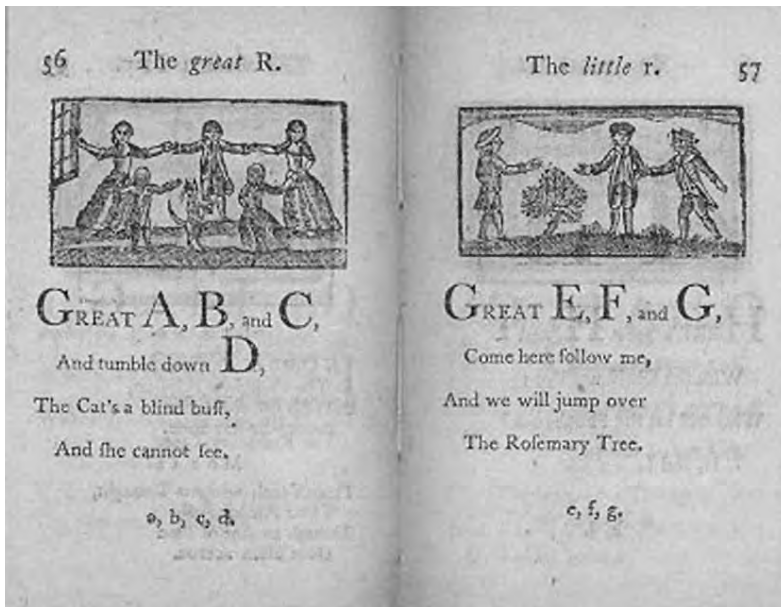
کودکان و

بزرگسالان،

اغلب قابل

تشخیص نبود

اواخر قرن نوزدهم، اولین جوانه‌های طبیعی ادبیات خلاق برای کودکان به بار نشست. بخشی از ادبیات، هم‌چنان بر طرز تلقی سنتی خود با هدف رام کردن بچه‌ها پافشاری می‌کرد، اما از طرفی اشکال ادبی کودکان، بیشتر و بیشتر تخیلی و تعلیمی شدند. نویسندگان از اشتیاق به کسب تجربه، ترقی‌ای که باید از طریق ابتکار و مهارت به دست آید و ماجراجویی‌ها می‌نوشتند. نویسنده آمریکایی، **ویلیام کاردل** ۲، منتقد قصه‌های پری‌وار و شعر کودکان، با انتشار **داستان جک هلیارد** در سال ۱۸۲۴، به موفقیت چشمگیری نایل آمد. این قصه به فضایل اخلاقی فردی و خانوادگی می‌پرداخت و ماجراهای پسری را شرح می‌داد که بعد از مرگ پدرش به دریا می‌رود و کار و بارش آن قدر سکه می‌شود که مزرعه پدریش را بازپس می‌گیرد. اثر دیگر کاردل، با عنوان **خانواده شاد یا گوشه‌هایی از زندگی آمریکایی** (۱۸۲۷) که بنا بر زمینه‌های



تازه‌ای نوشته شد، به صورت کنایه‌آمیزی به دفاع از تبختر زندگی «آمریکایی» برخاست. این داستان متعلق به دوره‌ای است که نسبت به جنسیت‌ها حساسیت ویژه‌ای وجود داشت؛ دختران تعلیم می‌دیدند که با به نمایش گذاشتن قابلیت‌های خانه داری، کپی برابر اصل شخصیت مادرشان باشند و به پسران میدان می‌دادند تا کم‌کم مستقل شوند و بتوانند گلیم‌شان را از آب در بیاورند. پس از این اتفاقات پایه‌ای، عده زیادی اقدام به نوشتن برای قشر طبقه متوسط جامعه و به خصوص خوانندگان مشتاق سفید پوست کردند. کودکان سرخ پوست و سیاه پوست آشکارا سهم کمی از این تولیدات داشتند؛ اگرچه بارها مثل کلیشه‌های چاپ، در متونی که آن‌ها را برجسته کرد، سوژه شدند و به آن‌چه دسترسی کمی بدان داشتند، راه یافتند.

رمان‌های آمریکایی در فضای ادبی‌ای که به تاریخ تکیه داشت، رونق پیدا کرد. برخی از منتقدان معاصر، معتقدند که موضوعات درست و حسابی در ادبیات آمریکا

تاریخی بوده و اشکال روایت بومی باید در نهایت به نول‌های تاریخی تبدیل می‌شدند. دریافت این الگو و طراحی آن از روی دست سنت‌های رمانتیک انگلیسی و نویسندگانی چون **جیمز فنیمور کوپر**^{۱۳}، **لیدیا ماریا چایلد** و **کترین ماریا سجویک**^{۱۴}، کمک کرد نوعی از رمانس تاریخی گسترش یابد که اغلب تنافر میان فرهنگ مهاجران انگلیسی و سرخپوست را نشان می‌داد. مجموعه قصه‌های **جوراب چرمی**^{۱۵} کوپر (۴۱-۱۸۲۳) که شامل پنج داستان بلند می‌شد، به عنوان نمونه مطلوب شناخته شد. داستان **کودکان هبوموک**^{۱۶} (۱۸۲۴)، اولین روایت داستانی از وصلت میان سفیدپوستان و مهاجران هندی در آمریکاست. اگرچه با برجسته شدن این پیرنگ، کودکان اهمیت کم‌تری به پیوندهای میان‌نژادی با غلبه انگلیسی‌ها از طریق انگلیسی مآب کردن بچه‌های **مری کوننت**^{۱۷} و **هبوموک** و لزوم همگونی‌شان با جامعه سفیدپوستان می‌دهند. در رمان **پیوریتانی وی، هوپ لسلی**^{۱۸} (۱۸۲۷) که در فضای ماساچوست قرن ۱۷ می‌گذرد، سجویک، در هر دو مقام پیروی و آشنایی زدایی از قواعد نخستین کشفیات رمانس برآمد. او بازنویسی

قابل قبولی از تاریخ جنگ پکود انجام داد؛ وقایع نگاری بی‌عدالتی‌هایی که کشیش‌های پیوریتان در حق سرخپوست‌ها مرتکب شدند. هم چنین، وی استاندارد تازه‌ای برای شجاعت زنانه، به وسیله خلق چهره‌ای از هوپ جوان ارائه داد که از رقبای بادرایت، دلاور و روراستش و حتی از همتای مردش، **اورل فلچر**^{۱۹} پیشی می‌گیرد. سجویک هم چنین تیپ‌های مختلف دخترانگی را برای کامل کردن شخصیت هوپ ترسیم می‌کند، شامل استر پاکدامن و سربه‌راه که در تنگنای قوانین پیوریتان‌ها قرار گرفته است؛ خواهر هوپ، **فیت**، که ازدواجش با یک سرخپوست به عشقی عمیق اما ساکن و بی‌سرانجام انجامیده است و ماگاوایسکا، دختر سرخپوست ترسناک، که در شجاعت، از خودگذشتگی و ایده‌آلیسم، دست همه کاراکترها را از پشت بسته است. سجویک برای همدردی با سرخپوست‌ها و از آن‌جا که همواره نگاهش در مورد روابط میان نژادی خوشبینانه نبود، مانع ازدواج ماگاوایسکا و اورل می‌شود و او (ماگاوایسکا) را به نشانه زوال اجتناب‌ناپذیر خانواده‌های بومی، به تنهایی به جنگل می‌فرستد.



در خلال سال‌های ۱۷۸۰ تا ۱۸۶۵،
خلاف آنچه پیش از آن متداول بود، ادبیات کودکان با تمام وجود خود را برای مبارزه با تلقی رایج درباره کودکان به ویژه در مورد نحوه تربیت کودکان و ارتباط آن‌ها با خدا و خانواده آماده کرد

ماگاويسکا در فصل پایانی رمان می‌گوید: «مردم من فاسد شده بودند. سرخپوستان و سفیدپوستان بیشتر از این نمی‌توانند با هم قاطی شوند و مثل روز و شب هیچ‌وقت یکی نمی‌شوند.»

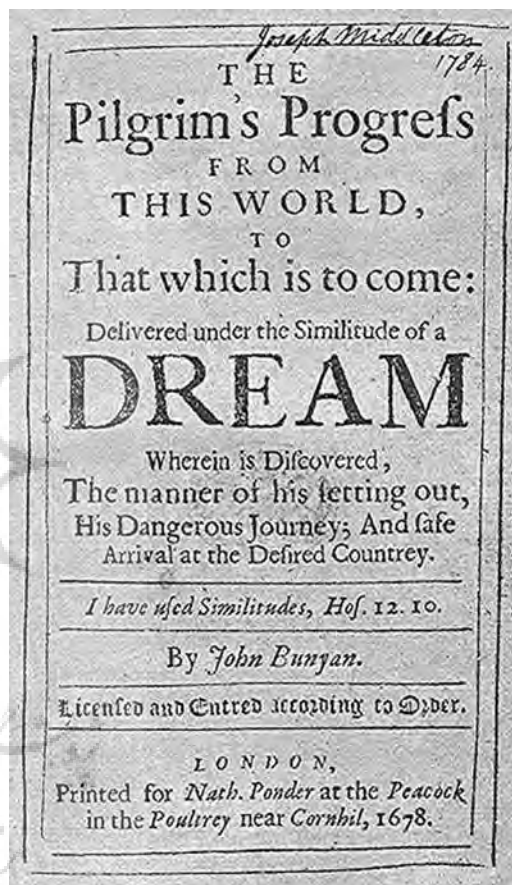
به رغم وجود راه‌های تازه مقرون به صرفه برای خلق آثار خلاقه و افزایش تمایل به سرگرمی، ادبیات تعلیمی بازار گرمی داشت. روحیه اصلاح طلبی، طی نیمه اول قرن، سرتاسر کشور را فرا گرفت. چاپ خواندنی‌های ادبی برای کودکان، با قاطعیت به پی‌گیری اهداف آموزشی و برای استفاده از ادبیات، به عنوان ابزاری برای ترویج عقاید، آداب و رسوم، رفتارها و اخلاقیات وفادار ماند. نویسندگان نه تنها مفاهیم اخلاقی بلکه دیگر مسائل واقعی زندگی که آن‌ها را برای رسیدن به مقام انسان دلگرم می‌کرد و به سختی بد رفتاری با بردگان و اذیت و آزار حیوانات را به باد انتقاد می‌گرفت، به کودکان آموزش می‌دادند. در این خصوص، جنبش **مدرسه یک شنبه**، از همه سرشناس‌تر بود که هنوز هم در هر دو حوزه انگلستان و ایالات متحده به فعالیتش ادامه می‌دهد. این مرکز، به طور ویژه‌ای تحصیلات ابتدایی کودکان فقیر را هدف قرار داد. هم چنین در نواحی مذهبی مجله، روزنامه و کتاب‌های ارزان توزیع کردند. جنبش مدرسه یک شنبه، به خصوص در فضایی که در آن بدگمانی خانواده‌های روستایی نسبت به ساختار مدارس عمومی موج می‌زد، نشو و نما پیدا کرد. یکی از دلایل انقلاب آمریکاییان که هنوز در اذهان به جا مانده‌است، انزجار آن‌ها از تن در دادن به اتوریته غیرمذهبی بود. صدها عنوان کتاب ادبی که تا سال ۱۸۲۴، توسط مدرسه یک شنبه منتشر شد، در گستره خود مفاهیم چندین مذهب را گنجانده بودند و در دورانی که اصالت کالوینیسم و تقدم متون و مواعظ آن را بیشتر رواج می‌دادند، به حفظ آموزه‌های همه مذاهب زنده کمک کردند.

در زمان جنگی که به علت کسب استقلال سیاسی رخ داد، توجه مردم به دگرگونی در حیطة خانواده جلب شد. جبهه رهبران مذهبی و علمی، متوجه موقعیت بحرانی کانون خانواده شد؛ ماهیت خانه را به عنوان خط مقدم تعیین و از والدین استدعا کرد که در تربیت کودکان نقش فعال‌تری را بازی کنند، اما به پدران برای کوتاهی کردن در انجام وظایف‌شان به عنوان بزرگان محق خانواده تذکر داده نشد. مادران به تکمیل تلاش‌های‌شان در تعلیم بچه‌ها، نه تنها در حوزه بهداشت، طرز رفتار و مذهب، بلکه هم چنین در مورد مفاهیم وطن‌پرستانه تازه‌ای ترغیب شدند که به نتایج مثبت کار سخت و نیز مهرورزی به آنان که کم‌تر احساس خوشبختی می‌کردند، اهمیت می‌داد.

هنگامی که این نظام تازه، گوش به فرمانی مطلق کودکان و عاملیت والدین را که در دوره پیوریتان‌ها بسیار متداول بود، زیر سؤال برد، به الفت با کودکان موسوم شد. مادران روی ماهیت معنویات و مهرمادری قلبی‌شان انگشت گذاشتند و از آن‌ها خواسته شد تا برای پرهیزکاری و تقویت ایمان، در هیأت نیایش‌های مختلف، فرزندان‌شان را راهنمایی کنند. «تأملاتی درباره آموزش و پرورش» (۱۶۹۳)، اثر **جان لاک**^{۲۰} با توجه ویژه‌ای که به دوران طفولیت دارد، تأثیر به‌سزایی بر موج تازه رمانتیکی که رو به گسترش بود، داشت. گام بعدی نوشته‌های **ژان ژاک روسو**^{۲۱} (۱۷۱۲-۷۸) بود که تعلیم و تربیت را به مثابه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف در نظر می‌گرفت و از ایده پرورش کودکان با آزادی و عزت حمایت می‌کرد. به طور روزافزونی نیاز غریزی کودکان به بازی برآورده

شد؛ پرورش آن‌ها با نوعی شکوفایی همراه شد و تفریحات، لباس‌ها و اسباب‌بازی‌هایی که هدیه می‌گرفتند، آشکارا چهره‌ای متفاوت از لباس و فعالیت‌های گذشته پیدا کرد. اگرچه در طول دهه ۱۸۳۰، پدران و مادران خانواده‌های متوسط از لوس کردن و برآورده کردن خواسته‌ها و عادات احمقانه بچه‌ها بر حذر داشته و نیز همواره برای پرورش کودکان‌شان راهنمایی شدند و مدام ارزش‌های مذهبی را از طریق تشویق تدریجی و نه با ضرب و زور، در گوش‌شان می‌خواندند. این رویکرد تازه در تربیت کودکان، ادبیات سفارشی عمده‌ای را به وجود آورد. این موج تازه، عمده‌ای هیچ گونه طبقه‌بندی ویژه‌ای را به لحاظ میزان مصرف برای کودکان در نظر نگرفت و به صورت یک پارچه، برای تمام سطوح ذوق ادبی در سراسر کشور نوشته شد.

بسیاری از نویسندگان آن زمان، از نظریه‌های تعلیم و تربیت برای نگارش داستان‌های‌شان استفاده کردند. به عنوان مثال، **لیدیا ماریا چایلد**، **تیموتی شی آر تور**^{۲۲} و **جیکب ایت**^{۲۳}، در هر دو زمینه کتاب‌های آموزشی و داستان‌های کودکان، فعالیت کردند. کتاب راهنمای خانواده **چایلد**، با عنوان «زن مقتصد خانه‌دار» (۱۸۲۹)، در آمریکا به چاپ سی‌وسوم رسید. او مستقیماً به دختران، پیشنهادات به دردیخوری در «کتاب دختران» (۱۸۳۳) برای انجام کارهای خانه



به نحو احسن ارائه داد. رمان نوجوان او، با عنوان «شب‌های نیوانگلند» (۱۸۲۴)، تلویحاً به باورهای کالونیستی تحمیل شده اشاره می‌کرد و محبت‌ها و ارتقای تدریجی اخلاق خانواده را مورد ستایش قرار داد. در میان بسیاری از مباحث مربوط به تعلیم و تربیت کودکان، اجتناب از تنبیه بدنی در صف مقدم قرار داشت. هم چنین، ترک این عادت قدیمی که در واقع ابزاری برای تسلط والدین به شمار می‌آمد با تأکید حامیان رویکردهای نوین در تعلیم و تربیت، بر خطرناک بودن تنبیه بدنی برای آینده کودکان، در کانون توجه قرار گرفت. **کاترین سجویک**، در «خانه» (۱۸۳۵)، این رویکرد را در توصیفش از والدین خشک مقدسی که پسری چون **الاج**^{۲۴} دارند، مورد توجه قرار داد. والاج از سر خشم، گربه خواهرش را که بادیادک تازه‌اش را پاره کرده است توی دیگ آب جوش می‌اندازد. پدر وحش‌زده، برای خلاصی از عواقب

این کار، دست به دعا برمی‌دارد و از پسرش می‌خواهد تا از خشم خود توبه کند و برای نشان دادن رحم و شفقت بیشتر، سوگند بخورد. اجتناب از زور بازو، تکیه بر عقل و تقویت ارزش‌ها به همراه تسلط پدرسالارانه، موضوعاتی است که به آن‌ها پرداخته می‌شود. در این اثر، در واقع پدر در استراتژی تعلیمی‌اش، طرز تلقی غالب والدین تمام سطح کشور را نشان می‌دهد.

همواره از مطرح‌ترین آثار در حوزه ادبیات تعلیمی آن دوره، یکی «مسیحیان جوان» **جاکوب آلبوت** (۱۸۵۱) بود. وی نویسنده کتاب‌های پرفروش رلو بود که بر اساس فرایض مسیحیان نوشته شدند و دیگری، نوشته‌های **لیمن بیچر**^{۲۵} که نویسنده در آن‌ها به اخلاق فطری کودکان اعتماد کرد، عقاید سختگیرانه نسبت به شرارت کودکان را به چالش کشید و شالوده‌ای برای نگاه ملایم‌تر به دوران کودکی پی‌ریزی کرد. مبلغان غیرارتدوکس آموزش کودکان، در نهایت آزادی به سر می‌بردند و نویسندگانی چون **ویلیام الری چانینگ**^{۲۶} و **برسون الکو**^{۲۷}، با نگارش «ملاحظاتی در مبان و روش‌های تربیتی کودکان» (۱۸۳۰)، کوشیدند **تعالی‌گرایی**^{۲۸} را به جای کالونیسم جا بیندازند. این تلقی تازه، به نوبت هواخواهان را به نشان دادن واکنش در برابر قدیمی‌ها واداشت. این واکنش، در برخی چون **هومان هامفری**^{۲۹} و اثرش «تعلیمات خانوادگی» (۱۸۴۰)، سختگیرانه‌تر بود. اصول پرورش کودکان به صورت همه جانبه‌ای از «قدرت ناظم»^{۳۰}، به «الفت ناظم»^{۳۱} تغییر ماهیت پیدا کرد (برادهد ۱۹۸۸) و به طور فزاینده‌ای در هسته پرورش کودکان، عشق جای زور را گرفت. اثر مردمی «نامه‌هایی به مادر» (۱۸۳۸)، نوشته **لیدی سیگرنی**^{۳۲}، به طور ویژه‌ای بر اهمیت پرورش مادرانه اصرار ورزید و از کودکان چهره‌ای چون فرشتگانی ناشناخته ترسیم کرد و روش‌هایی را شرح داد که از طریق آن‌ها «می‌شد چنگ را به صدا درآورد [آن چنان که] به دلپذیری و هارمونی ظریفش خدشه‌ای وارد نشود.» سیگرنی بر این طرز تلقی که کودکان همراه و نافرمانند، خط بطلانی کشید و دلایلی برای استفاده از روش‌های تربیت ملایم، اراده کرد تا از روش‌هایی حمایت کند که شور و اشتیاق کودکان را خفه نمی‌کند و چوب لای چرخ‌شان نمی‌گذارد. اثر با ارزش دیگری که واسطه عقاید ارتدوکس‌های قدیمی و متأخر است، کتاب نویسنده آزاداندیش، **هاریس بوشنل**^{۳۳}، با عنوان «نگاهی به تعلیم و تربیت مسیحی» (۱۸۴۷) است که ضمن حمایت از تربیت مبتنی بر شرارت ذاتی بچه‌ها، بر اهمیت صرفه‌های پرورش مناسب برای زدودن معصیت‌ها تأکید می‌ورزد.

همان‌طور که **بوشنل**، در کتابش صراحتاً می‌گوید، نویسندگان این دوره خود را مجاب کردند که با موفقیت کامل، میان سنت‌های مسیحیت و آزادی‌های اخیر صلح برقرار کنند، اما یکی شدن دو دسته **باورهای اولیه بنیادگرایی**^{۳۴} و آزاد اندیشی‌های اخیر، کودکان را در دوره‌ای آرمانی قرار داد.

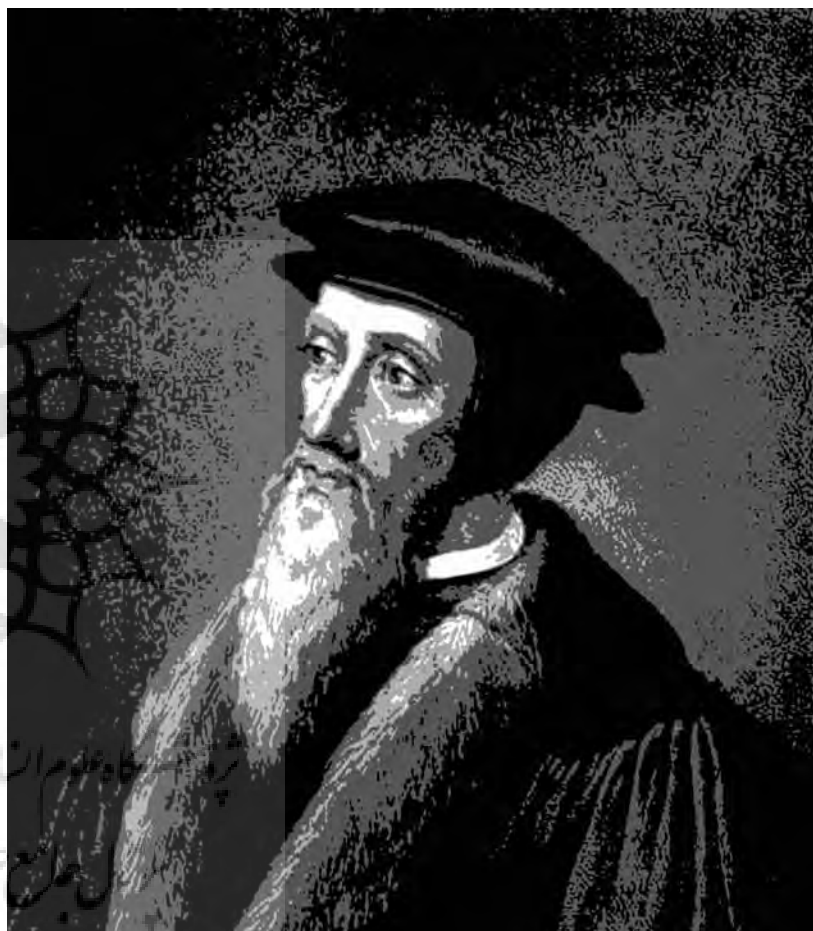
در اواسط قرن نوزدهم، برخی تغییرات اجتماعی زیرساخت‌های ادبیات داستانی کودکان آمریکا را بنیان نهاد؛ رهبری ساختار کودکان، نه تنها به عنوان نشانه استقلال کشور، میهن پرستی و آینده درخشان، بلکه همواره به عنوان مظهر بی‌اعتمادی فزاینده عمومی. رونق اقتصادی و گستره جغرافیایی، ضرورت ترک تعصبات نژادی و قومی را ایجاد کرد. هم چون شهری که سکنه‌اش را فوجی از مهاجران اروپایی تشکیل می‌دهند، اختلافات تازه‌ای میان فقیر و غنی،



جان کالوین در حال ایراد خطابه

باورهای سنتیان مذهبی و بخشی از تئوری‌های داروین پدید آمد و مسائل حول تجارت برده، به نقطه اوج بحران خود رسید. صنعتی شدن و تجارت نشانه ثروت بیشتر بود، اما تنها برای بخشی از مردم آمریکا. بچه‌های تاجران و پیشه‌وران سفیدپوست، از نیاز و کار خلاص شدند، اوقات فراغت بسیاری داشتند برای خواندن و یادگیری مهارت‌های زندگی‌ای که به درد ساختن مردان و زنان نجیب می‌خورد. خانواده‌های متوسط سفیدپوست، برای کمک به بچه‌ها برای رویارویی با چالش‌های جدید رشد دهنده‌شان، به کتاب‌های راهنمای آموزشی نحوه تربیت کودکان، تنظیم تحصیل مذهبی و مهارت‌های خانه‌داری برای دختران و سوارکاری و بی‌باکی برای پسران رجوع کردند. اما در شهرها، وضع اسفناک کودکان، به خصوص کودکان مهاجری که به امان خدا رها یا مورد غفلت واقع شده بودند و یا به خاطر والدین فقیرشان برای ساعات طولانی در کارخانه‌ها کار می‌کردند و با مشروبات الکلی و ناخوشی از پا در می‌آمدند، کاملاً متفاوت بود. در واکنش نسبت به این اوضاع در سال ۱۸۵۴، انجمن حمایت از کودکان شروع به کار کرد و اقدام به بررسی مشکلات کودکان خیابانی، کارگر و یتیم، ایجاد نوانخانه شهری برای برخی از آن‌ها و انتقال برخی از طریق طرح «تعلیم بی‌خانمان‌ها» به خانواده‌های کشاورز در غرب و شمال کرد. برخی نقل مکان‌ها منعکس کننده باورهای جامعه بود؛ اعم از این‌که مشکلات کودکان، محیط زیست و... می‌توانست با زندگی خانوادگی سالم بهبود یابد.

همزمان با جنیش ممانعت از مصرف مشروبات الکلی، جریان تولید داستان‌ها و رمان‌های کلیشه‌ای قدرت گرفت که یکی از آن‌ها «ده شب در بار» (۱۸۵۴)، اثر تیموتی شی آر تور بود. انجمن مبارزه با مصرف مشروبات الکلی در آمریکا، همواره تا اوایل دهه ۱۸۶۰، از کودکان می‌خواست از طریق انجمن جوانان مخالف مصرف مشروبات الکلی و به وسیله مدارس یک شبانه، اعلامیه توزیع کنند. ادبیات ضد مصرف مشروبات الکلی، بارها به کمک جریان مبارزه با کوتاهی در حق کودکان و بدرفتاری با آنان و نیز اثبات تأثیرات مخرب مصرف الکل بر خانواده و زندگی آمد و برخی اوقات به قدرت کودکان برای تغییر دادن والدین‌شان و اصلاح جامعه اشاره کرد. برخی آثار، نه تنها به کودکان به چشم موضوع صرف نگاه نکردند، بلکه همواره نگاهی ابزاری به آن‌ها برای اصلاح جامعه داشتند؛ هرچند گاهی این کار به قیمت قرار دادن کودکان - به خصوص دختران - در معرض سوءاستفاده‌های جنسی تمام می‌شد. شور و شوق عاشقانه بچه‌ها برای اصلاح پدران دائم الخمر، گاهی به روشنی نقش بزرگی در رؤیاهای یک کودک بازی می‌کرد این داستان‌ها «مبارزه با مشروبات الکلی را از طریق یک پرسش اساسی پدید آورد؛ این‌که چرا نمی‌توانیم به اصلاح پدران دائم الخمر کمک کنیم؟» و «در هر دو وجه افراطی و میانه‌روی خود به لحاظ فرهنگی» ادبیاتی آفرید. هم چنین در این دوره، کودکان به طور فزاینده‌ای در مجادلات رو به گسترش مابین شمال و جنوب بر سر تجارت برده، به خدمت گرفته شدند. بچه‌های انگلیسی، آمریکایی



جان کالوین

- حتی بیشتر از زنان، به خاطر معصومیت و خلوص‌شان - به حامیان قدرتمندی برای براندازی برده‌داری تبدیل شدند. دو نشریه ادواری توجه خود را به چاپ مقالاتی بر ضد برده‌داری معطوف کردند؛ «دوستان برده‌ها» و «آزادگران جوان». مجازهای عمومی در این نشریات که توجه کودکان را به عنوان حامیان براندازی نظام برده‌داری و مشارکت در امور خانه به خود معطوف می‌کرد، حیوانات خانگی بودند (گینسبرگ ۲۰۰۳). بچه‌های غیر سفیدپوست، به عنوان شاهد زنده اعمال نژادپرستانه، به بهانه‌ای تبدیل شدند تا همه ملت به مسئله فرنج برده‌داری بیندیشند و پرسش‌های‌شان را مطرح کنند.

دوره پس از جنگ داخلی آمریکا، منادی «دوره طلایی» ادبیات کودک بود، دوره‌ای که تا ۱۹۱۴ ادامه داشت و طی آن داستان‌های درجه یک آمریکایی فراوانی درباره و برای کودکان منتشر شد. در واکنش به تأثیر «اصل انواع» (۱۸۵۹)، اثر چارلز داروین^{۳۵}، برخی آثار ادبی مبادرت به تطبیق طرز تلقی‌های رقیب نسبت به پرورش کودکان در یک زمان کردند و این هنگامی بود که یافته‌های علمی به نفی الهیات مسیحی منجر می‌شد. تأثیرگذارترین کتابی



که در فاصله سال‌های ۱۸۶۰ تا ۱۸۸۰ نوشته شد و نقش به‌سزایی در تغییر تلقی سنتی نسبت به کودکان ایفا کرد، «تمهیداتی در آموزش و پرورش کودکان» (۱۸۷۱) **جیکب آبت** بود. این اثر اطمینان بخشید که کودکان می‌توانند در حین بهره‌مندی از آزادی و استقلال در زندگی، شریف و با شخصیت‌های مثبت اخلاقی بار بیایند. آبت فقط به ویژگی‌های مثبت نظریات داروین توجه نشان داد. دیگر نویسندگان، فرمان حضور روان‌شناسی و ادبیات مدرن قرن بیستم از راه خلق روایت‌های درون‌نگرایانه و تلخیص تئوری‌های رو به گسترش داروین در ترسیم نمودار رشد کودکان را صادر کردند. به خصوص در این ارزیابی «مردان کوچک» (۱۸۷۱) آلتک اهمیت خاصی داشت که از تئوری علمی «شیوه‌های قانونی‌ای که به وسیله آن‌ها کودکان ضد اجتماعی، به شهروندان ظاهرالصلاح تبدیل می‌شوند» استفاده کرد و نیز «پسران جو» (۱۸۸۶) که ظاهراً تعلیم و تربیتی را ستایش می‌کرد که در آن به فراوانی و اصالت و

سلامت اطلاعات و دستیابی به آن به عنوان ضرورتی برای شهروندان مشخص اهمیت داده می‌شد (سینگلی ۲۰۰۱). نویسندگان هم چنین به پیچیدگی‌های روانی، تمایلات جنسی زودرس و قابلیت تحریک شدن و نیز تحمل خشونت برای کودکان پرداختند که به خوبی در «چرخاندن پیچ» (۱۸۹۸) **هنری جیمز**^{۲۶} نمایان است. در این خصوص، صحنه‌هایی از بدرفتاری با حیوانات در برخی رمان‌های احساسات‌گرایانه، مثل «خانه» و «چراغ‌چی» قابل مشاهده است که نه تنها نمونه سوءاستفاده‌های جنسی و بدرفتاری در خانه با کودکان است، بلکه خشونت‌های اجتماعی مشهود قرن بیستم را هدف می‌گیرد.

سرانجام، ادبیات کودکان و نوجوانان به طور فزاینده‌ای جنبه تجاری به خود گرفت و به نظام اقتصادی کشور {آمریکا} رونق بخشید و با پیروی از راهنمایی آبت و **الجر**^{۲۷}، کودک را در هر دو وجه پدیدآورنده و مصرف‌کننده متحول کرد و با انگشت گذاشتن بر جوهره کودکی، به دو موضوع اصلی پرداخت؛ ایمان به توسعه اجتماعی و نیز گذشته‌های نوستالژیکی که کم‌تر بفرنج بودند.

پی نوشت:

۱- عنوان اصلی این مقاله «Words for Children» است.
 ۲ - Carol J. Singley
 ۳ - Shirley Samuels, ed. A Companion to American Fiction (1780-1865. Blackwell, 2007.
 ۴ - John Bunyan
 ۵- **سیر یک زائر** از این جهان به جهان آینده (The Pilgrim's Progress from this World to That which is to Come). اثری استعاری به نثر از جان بانین (۱۶۲۸ - ۱۸۶۱)، نویسنده انگلیسی که بخش اول آن در ۱۶۷۸ و بخش دوم در ۱۶۸۴ انتشار یافت. «مسیحی»، ساکن شهر «فنا» با خواندن انجیل‌ها، برانگیخته می‌شود که اقدام به سفری به «شهر آسمانی» کند و یقین می‌داند که این سفر، سفر از گناهان خویش است. نخست، زیر صاعقه‌های کوه سینا از «منجلا ب‌اس» عبور می‌کند، بعد از برابر خانه «مفسر» می‌گذرد؛ کاخی که بر هر در آن نگهبان مسلحی ایستاده و بر کنگره‌های آن شخصیت‌هایی با جامه‌های زرین درگذرند. راه تنگ می‌شود و به زودی دیو مخوف آپولیون (Apollyon) آن

را می‌بندد، ولی «مسیحی» با او شجاعانه مقابله می‌کند. سپس در دره وحشتناک «تاریکی مرگ» پیش می‌رود، آن‌جا ورطه‌ها پیوسته عمیق‌تر می‌شود و «مسیحی» خود را در محاصره ظلمات هراس‌انگیزی می‌یابد؛ از همه سو بانگ ناله و فریاد و صدای پا بر زمین کوفتن و به هم خوردن زنجیرهایی به گوش می‌رسد. به زحمت می‌توان راه را در تاریکی تشخیص داد؛ ناگهان در نزدیکی خود چاهی می‌بیند که از درون آن شعله‌های بلند و دودی خفه‌کننده خارج می‌شود. اشباح هول‌انگیزی در نظر او ظاهر می‌شوند و او از میان توده‌های اجسام قطعه قطعه شده، پیش می‌رود. پس از غار «غول‌ها» به «بازار مکاره پوچی‌ها» می‌رسد که گردگرد آن جمعیتی بسیار ازدحام کرده‌اند. ناگهان از میان دکان‌ها، انبوهی درهم و برهم از تردست‌ها و میمون‌ها و آدمک‌های خیمه‌شب‌بازی بیرون می‌ریزد. هر ملتی (ایتالیایی، فرانسوی، اسپانیایی، انگلیسی) خیابانی خاص خود دارد. «مسیحی» از سوسوه‌های بی‌شمار دوری می‌کند؛ هم چنان که از مخاطرات دیگر اجتناب کرده بود و، پس از طی یک دوره اسارت، به جایی مصفا و راحت‌بخش و پر از گل و میوه می‌رسد. پس از آن که در سمت چپ خود، از برابر کاخ وحشتناکی

- 27 - Berson Alcott
- 28- Transcendentalist
- 29 - Heman Humphrey
- 30 - Disciplinary Force
- 31 - Disciplinary Intimacy
- 32 - Lydia Sigourney
- 33 - Horace Bushnell
- 34 - Fundamentalist
- 35 - Charles Darwin
- 36 - Henry James
- 37 - Alger

فهرست منابع و مراجع تکمیلی

1- Avery, Gillian (1994). *Behold the Child: American Children and their Books, 1621-1922*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.

2- Berebitsky, Julie (2000). *Like Our Very Own: Adoption and the Changing Culture of Motherhood, 1851-1950*. Lawrence, Kan.: University Press of Kansas.

3- Bingham, Jane, and Scholt, Grayce (1980). *Fifteen Centuries of Children's Literature: An Annotated Chronology of British and American Works in Historical Context*. Westport, Conn.: Greenwood.

4- Brodhead, Richard (1988). "Sparing the Rod: Discipline and Fiction in Antebellum America." *Representations* 21, 67-97.

5- Brown, Gillian (2001). *The Consent of the Governed: The Lockean Legacy in Early American Culture*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.

6- Crain, Patricia (2000). *The Story of A: The Alphabetization of America from The New England Primer to The Scarlet Letter*. Stanford: Stanford University Press.

7- Ginsberg, Lesley (2001). "The ABCs of The Scarlet Letter." *Studies in American Fiction* 29: 1, 13-21.

8- Ginsberg, Lesley (2003). "Babies, Beasts and 'Domestic Bondage': Slavery and the Question of Citizenship in Antebellum American Children's Literature." In Caroline F. Levander and Carol j. Singley (eds.), *The American Child: A Cultural Studies Reader*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.

با حیاطهای مفروش از کله‌های آدمی می‌گذرد، به سمت راست خود می‌رود که در آن باغ‌های باشکوه «کوهستان‌های لذت‌بخش» و در پی آن‌ها مه و خار بسیار زمین افسونگر می‌بیند. با وجود این، دیگر از دور برج‌های «شهر آسمانی»، شهر رستگاری و شادمانی، مقصد عالی و غایی «مسیحی» نمایان است. بخش دوم که بانین آن را بر اثر تشویق حاصل از موفقیت بخش اول نوشت، حکایت می‌کند که چگونه زن و فرزندان «مسیحی»، با هدایت «دل پاک» دلیر، پای در راه همین سفر می‌گذارند و با همان ماجراها روبه‌رو می‌شوند؛ ولی این بخش، بسیار نازل‌تر از بخش اول و غالباً فاقد الهام است. بانین، پیرایشگر پرشور، به شیوه‌ای استعاره‌ی سرگذشت روح خود و مبارزه خود را در راه ایمان که در طی آن دو بار به زندان می‌افتد، توصیف می‌کند. او که اعتقاد عمیقی به مذهب دارد، چیزی را که استعاره‌ای بیش نیست، به صورت تابلو زنده‌ای با صحنه‌های مأخوذ خود از تجارب زندگی خود و آداب معمول زمان درمی‌آورد. شخصیت‌هایی مانند «رام» (Pliable) و «مؤمن» (Faithful) انتزاعیات نیستند، بلکه موجودات واقعی‌اند که رفتار آن‌ها فوق‌العاده جالب توجه است. در این اثر وسیع، والایی در کنار امور عجیب و غریب می‌آید و احساس وحشت در کنار طنز و طبیعت. سبک آن ساده و غالباً از «موزائیک»ی از نقل قول‌های کتاب **مقدس** ساخته شده (کتاب مقدس یکی از چند کتاب معدودی بود که بانین با آن‌ها آشنایی داشت) که چنان در متن گنجانده شده است که نمی‌توان آن‌ها را از متن بازشناخت. زبان آن سرمشق خلوص است. واژگان بانین غالباً مأخوذ از عناصر ژرمنی اولیه است و در طی صفحاتی طولانی، جز واژه‌های یک هجایی یا حداکثر دو هجایی نمی‌توان یافت. این کتاب امروز هم در خانه‌های محقر مردم انگلستان، در میان کتاب مقدس و سال نامه‌ها جای دارد.

- 6 - John Newbery
- 7 - Jonathan Edwards
- 8 - Maria Edgeworth
- 9 - Lydia Maria Child
- 10 - Samuel G. Goodrich
- 11 - Benjamin Franklin
- 12 - William Cardell
- 13 - James Fennimore Cooper
- 14 - Catharine Maria Sedgwick
- 15 - Leather stocking
- 16 - Hobomok
- 17 - Mary Conant
- 18 - Hope Leslie
- 19 - Everell Fletcher
- 20 - John Locke
- 21 - Jean Jacques Rousseau
- 22 - Timothy Shay Arthur
- 23 - Jacob Abbott
- 24 - Wallace
- 25 - Lyman Beecher
- 26 - William Ellery Channing